

رفع فیلتر واتساپ

تقدیم دادهای ایرانیان به دشمن
یا تحقیر مردم در برآورده کردن
ساده ترین نیاز شهروندی؟

محمد حسین سیاح طاهری
دکتری جامعه شناسی



۱. می‌خواستم خیلی تلخ بنویسم: «مصوبه جلسه ۱۰۴ شورای عالی هیچ‌کس را راضی نمی‌کند؛ نه طرفداران رفع سلطه دشمن بر فضای مجازی، نه طرفداران جریان به اصطلاح باز اطلاعات.»

همه اعضای شورا بعد از این مصوبه فحش می‌خورند؛ چه حاکمیتی‌ها که «چرا کوتاه آمدید»، و چه دولتی‌ها که «گولمان زدید.»

حال و هوای دلم، فضای پذیرش قطعنامه پس از یک نبرد هشت‌ساله بود و تصویب بیست‌دقیقه‌ای برجام! اما تصمیم گرفتم وسط این فضای یأس و ناامیدی، چیزی را در دورترها نشان بدهم.

۲. سیاست‌گذاری در ایران به کرات پیچیده و عجیب است؛ مثل تیتروهمین مطلب. دو روایت صددرصد متضاد از یک «مصوبه جمعی و شورایی».

۳. جالب آنکه پیگیری این مصوبه نه بعد از انتخاب دکتر پزشکیان، که از دو سال پیش و با دستور رئیس‌جمهور شهید آغاز شد: «بازنگری در سیاست‌های فیلترینگ». آن هم در حکم انتصاب رئیس جوان مرکز ملی فضای مجازی.

۴. ساختار قدرت در جمهوری اسلامی برخلاف آنچه به نظر می‌رسد، بسیار متکثر است. هیچ‌کس فعال مایشاء نیست. نه رئیس‌جمهور دکمه فیلترینگ زیر دستش

است که هر وقت دلش خواست قطع و وصل کند، نه رهبری چیزی را که اراده و نیاز مردم و نخبگان در آن باشد، هرگز و تو می‌کند (ضربه به اصل نظام و اسلام به کنار). اما چرا این فرایند دو سال طول کشید؟ طوری هم ختم شد که همه آخرش بگویند: زحمت کشیدی! نخواستیم. ۵. فضای مجازی چندوجهی و ذوابعاد است. همه این را می‌دانیم، اما همین وضعیت است که باعث می‌شود هر ذی‌نفعی از دریچه خودش به مسئله فیلترینگ نگاه کند:

■ شورای اطلاع‌رسانی دولت «تنها» به فکر رضایت طرفدارانش است و وضعیت «حکمرانی» نظام در

درازمدت برایش مهم نیست.

■ مجموعه‌های نظامی و امنیتی دغدغه درازمدت نظام را دارند، نگران اغتشاشات احتمالی آینده‌اند، اما دغدغه رفع نیاز مردم را ندارند.

■ نهادهای فرهنگی دغدغه تربیون و دسترسی به محل تجمع مخاطب را دارند و امنیت اطلاعات برایشان مهم نیست.

■ اپراتورها و کسب‌وکارها صرفاً منافع اقتصادی‌شان را می‌بینند و از هرگونه شفافیت، مالیات و... گریزان‌اند. و به همین ترتیب، به این فهرست می‌توان اضافه کرد. در این شرایط آیا می‌توان اساساً تصمیمی گرفت که همه

راضی باشند؟

۵. حالا وسط این بازی بتل رویال (نبرد بقا) که می‌توانست فقط یک برنده داشته باشد، یا وسط این کشمکش سیاسی-کارشناسی که می‌توانست هیچ برنده‌ای نداشته باشد، سرانجام یک «توافق» حاصل شده است. ممکن بود مثل مسئله حجاب که هیچ راه‌حل مورد توافقی پیدا نشد، همه ترجیح بدهند وضع موجود «بلا تصمیم» تداوم پیدا کند. اما در رابطه با فیلترینگ بالاخره یک گام رو به جلو برداشته شد؛ تلاش شد یک راه میانه انتخاب شود که هم رضایت وعده‌دهندگان تأمین شود، هم تا حدی

حکمرانی مجازی با کمک خود دولت ارتقا یابد.

۶. از نظر کارشناسی من، می‌شد تصمیم بهتری گرفت. انتخاب واتساپ به عنوان گزینه اول بازگشایی غلط است و به سکوه‌های داخلی آسیب می‌زند، اما با این حال کار به آخر نرسیده و هنوز مصوبه شورا چیزهایی دارد که می‌شود از آن دفاع کرد:

چهار مرحله برای بازگشایی تعریف شده، در هر مرحله دولت موظف است یک سری کارها انجام بدهد. کمیته‌ای مشترک بین نهادهای دولتی و حاکمیتی تعریف شده که کار را راهبری و بر فرایند نظارت کند. بیش از ده شاخص کلان فنی و اجتماعی تعریف شده که

در انتهای هر مرحله باید سنجیده شود و البته هر مرحله بازگشایی هم دارد.

همه این موارد تجربه‌ای برای نظام تصمیم‌گیری و حکمرانی ماست. شاید یاد گرفتیم همه گره‌ها را به تدریج و نه با زدن یک دکمه حل کنیم، شاید هم پشت دستان را داغ کردیم...

۷. این مصوبه البته یک برنده مهم دیگر هم داشت: «جمهوری اسلامی.»

همو که نه در رأی مردم خیانت می‌کند و نه در فردای انتخابات، خواست مردم را بی‌ارزش می‌شمارد. روزی راه را برای مذاکرات برجام باز می‌کند و روزی سکوهایی که

خود به اعتراض بسته را یک جانبه می‌گشاید. تصویب این سند اثبات پایبندی نظام به «جمهوریت» بود. آن هم در شورایی که روی کاغذ دولتش در اقلیت کامل است. ممنونم آقای جمهوری اسلامی. البته ممکن است نپسندیم؛ تلاش کنیم مردم انتخاب بهتری کنند، مردم را آگاه کنیم که در دوران جدید ارزش داده‌ها از نفت و طلا بیشتر است و هر کار لازم دیگر. اما نخواهیم که پشت درهای بسته یک «وضعیت استخوان در گلو» تداوم یابد.



سازمان فضای مجازی سراج



@Maqaam_ir



مقام

مطالبه گران قوت
و اقتدار مجازی